ارزشیابی اجرای آزمایشی طرح شناسایی و هدایت استعدادهای برتر(شهاب)

دکتر احد نویدی*

چکیده

برای ارزشیابی طرح شهاب، اطلاعات مورد نیاز از منابع متعدد و با به‌کارگیری ابزارهای گوناگون(مصاحبه، پرسشنامه و مطالعه اسناد) گردآوری شد و با استفاده از شاخصهای آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در قالب جداول توزیع فراونی سازماندهی شد. پاسخهای آموزگاران، مدیران مدارس و کارشناسان به سؤالهای بازپاسخ پرسشنامه‌ها و نیز پاسخ به سؤالهای مصاحبه که بالغ بر ۲۲۰۰ پاسخ انشایی معطوف به جنبه‌های گوناگون طرح شهاب بود، با دقت کافی مطالعه و با روشهای ناظر بر مطالعات کیفی استخراج، طبقه‌بندی و تلخیص شدند. از مجموعه شواهد موجود چنین استنباط می‌شود که در سال اول شرایط برای اجرای طرح شهاب چندان مساعد نبوده و در زمینه شناسایی و هدایت استعدادهای دانش‌آموزان، موفقیتی حاصل نشده است. به عبارت دیگر بافت فرهنگی- اقتصادی موجود برای اجرای طرح شهاب مساعد نیست. همچنین رویکرد متمرکز دستگاه متولی آموزش و پرورش رسمی و تأکید بر اجرای برنامه‌های از پیش تعیین‌شده، با رویکرد تعلیم و تربیت مبتنی بر استعداد که در چارچوب طرح شهاب ارائه شده است، سازگار نیست. افزون بر این، منابع نرم‌افزاری و سخت‌افزاری کافی برای اجرای مطلوب طرح شهاب فراهم نشده است. در ضمن اکثر کارشناسان، مدیران مدارس و آموزگاران به ابهاماتی در هدف کلی طرح و شیوهٔ اجرای آن اشاره کرده‌اند. تکمیل فرایند شناسایی استعدادهای برتر و تعریف عملیاتی هدایت استعدادهای برتر روشن نیست. مسئولان آموزش و پرورش استان به‌اندازه کافی توجیه نشده‌اند و به اهداف طرح شهاب متعهد نیستند. اکثر کارشناسان، مدیران مدارس و آموزگاران مورد مطالعه پیامدهای منفی گریزناپذیر طرح شهاب را خاطرنشان کرده‌اند.

کلیدواژگان: تشخیص، استعداد، دانش‌آموزان ابتدایی، ارزشیابی برنامه، طرح شهاب

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۱۴

* دانشیار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، پژوهشگاه مطالعات آموزش وپرورش (نویسنده مسئول) anaveedy@gmail.com

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.3.0]

مقدمه

چگونه می‌توان با صحت علمی کافی به تشخیص و شناسایی استعدادها، در سنی که آنها غالباً ناآشکارند، پرداخت و چگونه می‌توان این تشخیص را با پیش‌بینی راه آینده دانش آموز که گاهی ناگزیر همهٔ زندگی خود را در آن مسیر طی می‌کند، توأم ساخت؟ به نظر پیاژه تنها دو راه و روش برای شناسایی و هدایت دانش آموزان موجود است، یکی آزمایش دانش آموزان و دیگری تحلیل کاری که در طول دوره تحصیلی انجام داده اند. به زعم پیاژه، هدایت و راهنمایی دانش آموزان برحسب استعداد آنان بسیار مهم است، اما تنها در حدود ۱۵ سالگی است که می‌توان استعدادهای افراد را که وجه تمایز آنان است، به صورت کم و بیش دقیق تعیین کرد و پیش از آن هر نوع راهنمایی و تعیین جهت اتفاقی است و این خطر در پیش است که نیروهای ذهنی بالقوه از نظر دور باشند و مراعات نگردند. بی‌شک مطمئن‌ترین روش تشخیص و پیش‌بینی تحول آینده، روشی است که بر اساس مشاهده دانش آموزان و کار واقعی آنان باشد. اما این روش را نمی‌توان سرسری انگاشت و به نظر می‌رسد که در تحقق بخشیدن به آن، همکاری معلمان، مسئولان آموزشی و روانشناسان آموزشگاهی که نقش آنها مطالعه فردی و مداوم دانش آموزان در زمینه موفقیتها و شکستهای آنهاست، شرط اساسی است. علاوه بر آن، این روش بدون تردید روشی است که ارزش آن وابسته به ارزش روشهای تربیتی است(به نقل منصور و دادستان، ۱۳۶۹). شناسایی دانش‌آموزان با استعداد برتر که از برنامه‌های خاص آموزشی سود خواهند برد، موضوع بحث برانگیزی است. بسیاری از متخصصان معتقدند که شناسایی و تشخیص دانش‌آموزان باید با برنامه‌های پیشنهاد شده مطابقت داشته باشد و بعضی هم احساس می‌کنند که شناسایی دانش‌آموزان باید مقدم بر نوع برنامه و راهنمای آن باشد. در هر صورت، در هر دو مورد، فرایندهای شناسایی نقشی تعیین کننده دارند.

بسیاری از جوامع صنعتی تاکید بسیار بر اندازه‌گیری عینی تفاوتهای فردی، به‌ویژه در زمینه شناخت و هوش دارند. کودکان دبستانی را غالباً بر پایهٔ عملکردشان در این قبیل آزمونها، در گروهها و برنامه‌های آموزشی گوناگون قرار می‌دهند. در بسیاری از کالجها و در غالب دوره‌های حرفه آموزی و دوره‌های پس از کارشناسی، آزمونهای استعداد یا توانشها بخشی از فرایند پذیرش شخص در این دوره‌های آموزشی است. یکی از ویژگیهای متمایز روان آزمایی معاصر تأکید آن بر برداشت افتراقی در اندازه‌گیری استعدادهاست. از اواسط قرن بیستم گسترشی روزافزون در تهیه و کاربرد وسایلی دیده می‌شود که تحلیل جنبه‌های گوناگون کارکرد را امکان پذیر می‌سازند. این وسایل اندازه‌گیری، به جای یک شاخص کلی از نوع هوشبهر، سلسله نمره‌های مربوط به

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.3.0]

استعدادهای مختلف را به دست می‌دهند و براساس نمره‌های آنها می‌توان نیمرخی از استعدادهای فرد را که نمایشگر شایستگیها و کمبودهای اوست رسم کرد(اتکینسون و همکاران، ۲۰۰۰، ترجمه براهنی و همکاران، ۱۳۸۶). امروزه، «مستعد»به فردی گفته می‌شود که توانایی ایجاد تفاوتی معنادار میان عملکرد فعلی و آیندهٔ سازمان را دارد(مورتون[1]،۲۰۰۴). از دوره افلاطون تا گاردنر، جامعه بشری در تلاش بوده است افرادی را که به دلیل تواناییهایشان برجسته بوده‌اند، بشناسد و به آنان بپردازد. شناسایی افرادی که به سبب استعدادهایشان با دیگران متفاوت بوده‌اند، ریشه در فرهنگ غرب، یعنی یونان دارد. افلاطون در جامعه ایده‌آل خود، گفت که افراد بسیار توانمند باید در خدمت جامعه باشند و به این نتیجه رسید که افراد گوناگون تواناییهای متفاوت دارند؛ برهمین اساس مدینه فاضله افلاطون باید به دست حاکمان حکیم اداره شود(نقیب زاده ۱۳۸۵).

با توجه به اصول تفاوتهای فردی و عدالت آموزشی، انطباق برنامه‌ها، راهبردها و روشهای تربیتی با استعداد آحاد جامعه، ضرورت می‌یابد. این اصول پذیرش عام یافته است، اما نظامهای آموزشی در اتخاذ راهبردها وتدوین و اجرای برنامه‌ها یکسان عمل نمی‌کنند. مطالعه ادبیات موجود در زمینه پرورش نخبگان نشان می‌دهد که فلسفه، انگیزه‌ها و روشهای آن در همه‌جا یکسان نبوده است. با وجود این، ارتقای کیفیت آموزش و پرورش همواره مورد توجه بوده و دغدغه اصلی مسئولان نظام آموزشی را تشکیل داده است. مرور ادبیات ناظر بر تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که برقراری توازن و سازش میان دو اصل یاد شده و استقرار نظامی که بتواند با استعدادها و شرایط همه متربیان سازگار باشد اگر غیر ممکن نباشد، بسیار دشوار است. به همین دلیل، پاسداشت «حق تربیت» به یکی از دغدغه‌های روشنفکران، مصلحان اجتماعی و مسئولان اجرایی تبدیل شده است. شناسایی، هدایت و حمایت از استعدادهای برتر یکی از مهم‌ترین مسائل مورد تأکید در اسناد بالادستی کشور است. تربیت مبتنی بر اصل تفاوتهای فردی و توجه به تنوع استعدادها، در سند «برنامه درسی ملی» مورد تأکید قرار گرفته است. در زمره اصول حاکم بر برنامه‌های درسی و تربیتی (بند ۱/۹/۵) به صراحت بیان شده است که «برنامه درسی و تربیتی باید به تفاوتهای محیطی، جنسیتی و فردی متربیان توجه کرده و در این خصوص از انعطاف لازم برخوردار باشد»(دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۱). بنابراین، تحت پوشش قرار دادن همه افراد لازم التعلیم و هدایت همه دانش آموزان بر اساس استعداد و ظرفیتهای اختصاصی آنان امری ضروری تلقی می‌شود که با «حق تعلیم و تربیت» بشر و تکلیف حکومت در قبال این حق، پیوند خورده است.

1. Morton

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.3.0]

طرح شهاب به عنوان بدیلی مرجح از تدابیر مدیریتی برای شناسایی و هدایت استعدادهای برتر، یکی از طرحهای ویژه بنیاد ملی نخبگان در حوزه دانش‌آموزی است که اجرای آن با اهتمام وزارت آموزش و پرورش آغاز شده است. بنیاد ملی نخبگان(۱۳۹۱) هدف از اجرای طرح شهاب را پرورش استعدادهای برتر و سرآمد و ایجاد زمینه و ساز و کارهای مناسب برای رشد و بالندگی آنان به عنوان سرمایه‌های خدادادی و ملی، تقویت و درونی کردن هویت دینی و ملی واجدان استعدادهای برتر در دوره‌های تحصیلی مختلف آموزش عمومی به منظور احساس مسئولیت برای ایفای نقش سازنده در اعتلای کشور و حمایت تربیتی و معنوی دانش‌آموزان دارای استعداد برتر به‌منظور بهره‌مندی از توانمندیها و قابلیتهای آنان در تعالی و پیشرفت کشور، اعلام کرده است.

اجرای ناموفق طرح شهاب در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ در هفت استان کشور، مسئولان بنیاد نخبگان و وزارت آموزش و پرورش را بر آن داشت تا تصمیم بگیرند که دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی یک منطقه آموزشی در هر یک از استانهای کشور را در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ تحت پوشش طرح شهاب قرار دهند. با ابلاغ شیوه‌نامه از طرف وزیر آموزش و پرورش، مرحله آزمایشی طرح شهاب در همه استانها اجرا شد. علی‌القاعده، اتخاذ هر تصمیم به ارزشیابی اجرای آزمایشی وابسته خواهد بود. روشن است که بدون ارزشیابی نظامدار نمی‌توان دربارهٔ مفید بودن برنامه‌های آموزشی قضاوت کرد و مهم‌تر اینکه نمی‌توان به بهگشت برنامه‌ها کمک کرد. برنامه‌های آموزشی تهیه می‌شوند، آزموده می‌شوند، اصلاح می‌شوند، مجدداً آزموده می‌شوند و سرانجام برای اجرا در سطحی وسیع پذیرفته می‌شوند. از طریق ارزشیابی دقیق برنامه‌های آموزشی نقاط قوت و ضعف این برنامه‌ها آشکار می‌شود و برنامه‌ریزان و مسئولان اجرایی می‌توانند کاستیها و نارساییها را رفع و نقاط قوت را تقویت کنند (نویدی، ۱۳۹۰). بنابراین، ارزشیابی از طرح شناسایی و هدایت استعدادهای برتر(شهاب) ضرورت یافت. از طریق ارزشیابی نظام‌مند می‌توان مؤلفه‌های گوناگون طرح مورد نظر را ارزشیابی کرده و شواهد کافی برای اتخاذ تصمیم دربارهٔ اصلاح و استمرار یا توقف طرح فراهم ساخت. با درک این ضرورت و با درخواست بنیاد نخبگان و وزارت آموزش و پرورش، نگارنده مأموریت یافت تا طرح یاد شده را ارزشیابی کند. هدف اصلی این مطالعه، ارزشیابی جامع طرح شهاب و ارائه تصویری نسبتاً روشن از اجرای «برنامه قصد شده» است که شامل پنج سؤال پژوهشی است:

۱. اهداف بیان شده طرح شهاب تا چه اندازه مناسب(واقع‌بینانه، پیشرفته، سازگار) و ازنظر علمی قابل توجیه هستند؟

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.3.0]

۲. آیا منابع (نیروی انسانی، فضا و تجهیزات) اختصاص یافته به طرح کافی و مناسب است؟ تأمین منابع و تمهید مقدمات اجرای برنامه چگونه ارزیابی می‌شود؟
۳. دوره‌های آموزشی برگزار شده(طول دوره، محتوا، مدرسان و...) برای مدرسان، معلمان و سایر گروههای ذی‌ربط تا چه اندازه مناسب بوده است؟
۴. فرایند اجرای طرح (فعالیتها، ابزارها و شیوه‌های اجرایی) تا چه اندازه مناسب است؟
۵. آگاهی، نگرش و تعهد برنامه‌ریزان و مجریان نسبت به اهداف طرح شهاب چگونه است؟

روش تحقیق

مطالعه حاضر از نوع مطالعات «ارزشیابی» است که برای انجام دادن آن، آگاهانه ازتلفیق دیدگاه‌های متفاوت و ایده‌های اصلی در ارزشیابی برنامه‌های آموزشی استفاده شده است. در اتخاذ شیوه‌های گردآوری اطلاعات مورد نیاز، شرایط کلی کشور و فضای حاکم بر مدارس و نیز ماهیت طرح شهاب، مورد توجه قرار گرفته و به‌صورت اقتضایی از مطالعه اسناد و مدارک، مشاهده و زمینه‌یابی بهره‌گیری شده است. برای گردآوری بخشی از اطلاعات موردنیاز، همه اسناد و مدارک موجود در مناطق مطالعه شده و برای گردآوری بخش عمده اطلاعات موردنیاز، نمونه آماری از استانهای کشور به شرح زیر انتخاب شده است:

۱. با استفاده از نظرات کارشناسان آگاه، استانهای کشور در ۷ طبقه نسبتاً همگن قرار گرفته و از هر طبقه یک استان به صورت تصادفی انتخاب شد.
۲. در هر یک از مناطق منتخب، تعداد ۶ مدرسه(در مجموع ۴۲ مدرسه پسرانه و دخترانه در سطح کشور)، به‌صورت تصادفی انتخاب شد.
۳. از هر مدرسه منتخب، ۲۰ نفر از دانش‌آموزان(در مجموع ۱۲۰ نفر در هر منطقه آموزش و پرورش و در مجموع ۸۴۰ نفر در سطح کشور) به پرسشنامه ویژه دانش‌آموز پاسخ دادند.
۴. از هر مدرسه منتخب، ۱۰ نفر از اولیای دانش‌آموزان(در مجموع ۶۰ نفر در هر منطقه و در مجموع، ۴۲۰ نفر) به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و به«پرسشنامه ویژه ولی دانش‌آموز» پاسخ دادند.
۵. در هر منطقه منتخب، ۲۰ نفر از آموزگاران پایه چهارم به صورت تصادفی انتخاب شدند و به پرسشنامه ویژه پاسخ دادند. علاوه براین، در هر منطقه با ۵ نفر از آموزگاران(۱۷۵ نفر در سطح کشور) مصاحبه شد.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.3.0]

۶. در هر منطقه منتخب ۱۵ نفر از مدیران مدارس به صورت تصادفی انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های ویژه پاسخ دادند. علاوه براین، در هر منطقه با ۵ نفر(۱۴۰ نفر در سطح کشور) از مدیران مدارس که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، مصاحبه شد.

۷. در هر یک از استانهای منتخب ۵ نفر از کارشناسان آموزش و پرورش که در زمینه طرح شهاب آگاهی داشتند، در یک مصاحبه حضوری شرکت کردند.

ابزارها و شیوه‌های گردآوری داده‌ها

برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز، از مطالعه اسناد، پرسشنامه‌های ویژه برای گروههای ذی‌ربط و چارچوبهای مصاحبه، استفاده شده است. از ۳ نوع فرم مصاحبه و۵ نوع پرسشنامه استفاده شده و برای تدوین ابزارهای گردآوری داده‌ها و حصول اطمینان از روایی آنها مطالعه مقدماتی انجام شده است. روایی فرمهای مصاحبه و پرسشنامه‌ها را متخصصان و کارشناسان بررسی کرده اند. پایایی پرسشنامه‌ها از طریق محاسبه آلفای کرونباخ بررسی شده که ضرایب آلفا برای پرسشنامه‌ها از ۰/۶۲ تا ۰/۸۷ متغیر بوده است.

شیوهٔ تحلیل داده‌ها

برای اجرای این طرح ارزشیابی از انواع داده‌های کمّی و کیفی بهره‌گیری شد. داده‌های کمّی با روشهای مناسب آماری(محاسبه شاخصهای مرکزی و پراکندگی، درصد فراوانی و ...) و به کمک نرم‌افزار SPSS، پردازش، تحلیل و توصیف شدند. پاسخهای آموزگاران، مدیران مدارس و کارشناسان به سؤالهای بازپاسخ پرسشنامه‌ها و نیز پاسخهای آنان به سؤالهای مصاحبه که بالغ بر ۲۲۰۰ پاسخ انشایی معطوف به جنبه‌های مختلف طرح شهاب بودند، با دقت کافی مطالعه شدند و با روشهای ناظر بر مطالعات کیفی استخراج، طبقه‌بندی و تلخیص شدند.

یافته‌ها

اکثر افراد گروههای مورد مطالعه، کلیات طرح شهاب و ظرفیتهای بالقوه آن را برای ارتقای کیفیت آموزش و پرورش می‌پذیرند، ولی این پذیرش با «اگرها و امّاهای» فراوانی(رفع ابهامات و اصلاح کاستیهای واقعی طرح، تأمین منابع و فراهم ساختن زمینهٔ مناسب و نیز رفتار متعهدانه مجریان) همراه بوده و به انتزاع طرح از شرایط اجرای واقعی آن مشروط شده‌است. شمار قابل‌توجهی از کارشناسان، مدیران مدارس و آموزگاران در جریان مصاحبه حضوری به جنبه‌های مثبت طرح شهاب اشاره کرده‌اند. مصاحبه شوندگان بر این باورند که این طرح می‌تواند توجه آموزش و پرورش را به وظیفه فراموش شده‌اش دربارهٔ شناسایی و هدایت استعدادهای متنوع جلب

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.3.0]

کند و جلب توجه عوامل آموزش و پرورش به جنبه‌های گوناگون استعداد و موفقیت، گامی است به پیش. اجرای طرح شهاب می‌تواند دانش‌آموزان، اولیا، آموزگاران و خانه و مدرسه را نسبت به ضرورت توجه به استعداد ویژه و هدایت افراد مستعد براساس آن، حساس سازد. حساس‌شدن معلمان و مدیران مدارس نسبت به استعداد دانش آموزان سبب می‌شود که شالوده فکری آموزگاران ساخته شود و دقت و وسعت نظر معلمان به هنگام ارزشیابی دانش‌آموزان افزایش یابد. باوجود مزیتهای یاد شده، اکثر مصاحبه‌شوندگان به ابهاماتی در زمینهٔ هدف کلی طرح و شیوهٔ اجرای آن اشاره کرده‌اند. براساس محتوای مصاحبه‌ها، می‌توان استنباط کرد که مسئولان آموزش و پرورش استان به‌اندازه کافی توجیه نشده‌اند. به همین دلیل، گاهی در اذهان مجریان طرح تصورات متناقضی در هدف اصلی طرح شهاب وجود دارد. اغلب مصاحبه‌شوندگان به روشن نبودن جنبه‌های گوناگون طرح، از جمله چگونگی استمرار اجرای طرح در سالهای آینده و پایه‌های بالاتر، تکمیل فرایند شناسایی استعدادهای برتر، تعریف عملیاتی هدایت استعدادهای برتر، نتیجه نهایی و سرانجام طرح، اشاره کرده‌اند.حتی در حوزه ستادی وزارت آموزش و پرورش و بنیاد ملی نخبگان فهم مشترکی درباره هدف نهایی طرح شهاب حاصل نشده است. اکثر کارشناسان، مدیران مدارس و آموزگاران مورد مطالعه پیامدهای منفی گریزناپذیر این طرح را خاطرنشان کرده‌اند. برای مثال، اشاره شده که ممکن است توجه معلمان بیشتر به دانش آموزان مستعد معطوف باشد و این امر سبب رقابت منفی و نوعی لجبازی در کلاس شود. انتظار معلم و نیز انتظارات خود دانش‌آموز و خانواده وی ممکن است به غفلت از استعدادهای دیگر منجر شود.

تأمین منابع و تمهید مقدمات اجرای طرح

بنابه قضاوت نمونه‌ای از عوامل اجرایی(کارشناسان، مدیران مدارس و آموزگاران)، منابع سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آموزش و پرورش(فضا، تجهیزات، نیروی انسانی، زمان) برای شناسایی و هدایت استعدادهای برتر برازنده نیست. در حدود ۸۰ درصد کارشناسان آموزش و پرورش و مدیران مدارس، اعلام کرده‌اند که زمان و امکانات مدارس(فضا، تجهیزات و نیروی انسانی) برای اجرای طرح شهاب کافی نیست. کمبود نیروی انسانی واجد شایستگیهای لازم برای برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر طرح شهاب مشهود است. آموزگاران مجری طرح از دانش، مهارت و انگیزش کافی برای سنجش استعداد برخوردار نیستند. ظهور و زوال طرحهای فرمایشی متعدد، کارکنان آموزش و پرورش در سطوح مختلف را نسبت به بخشنامه‌های صادره از وزارتخانه خوگیر و بی‌اعتنا کرده است. ضعف تعهد و اهتمام به اجرای طرحهای جدید در آحاد عوامل اجرایی مشهود

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.3.0]

است و نتیجه آن در لوث کردن مسئولیتها، سهل‌انگاریها و ظاهرسازیها منعکس می‌شود. نفوذ حوزه ستادی وزارت آموزش و پرورش در کارکنان صف این وزارتخانه چندان نیرومند نیست. در واقع، ضعف تعهد و تخصص در عوامل اجرایی به مثابه پاشنه آشیل طرح شهاب قابل ملاحظه است. اکثر معلمان تصور می‌کنند این طرح هم مانند سایر طرحها شروع می‌شود، بر دوش معلم بار می‌شود و مثل اغلب طرحها مسکوت می‌ماند یا با یک بخشنامه متوقف می‌شود. این انتظار توقف یا شکست در میان عوامل اجرایی بسیار قوی است. در چنین شرایطی، اجرای طرح شهاب، آموزش و پرورش را به مبارزه می‌طلبد و موفقیت آن به نتیجه این مبارزه بستگی دارد. درصورتی که نظام آموزش و پرورش نتواند خود را تغییر دهد، زمینه و شرایط مناسب برای شناسایی و هدایت استعدادهای برتر ایجاد نخواهد شد.

اجرای طرح شهاب با برگزاری دوره آموزش ضمن خدمت برای مدرسان میانی آغاز شد و برگزاری این دوره نسبتاً موفقیت‌آمیز بود. باوجود این، بر اثر تنوع مباحث و ناهمگون بودن شرکت‌کنندگان، امکان بحث تفصیلی و برطرف کردن همه ابهاماتی که در ذهن شرکت‌کنندگان ایجاد شده بود، فراهم نشد. براساس شیوه‌نامه اجرای طرح شهاب قرار بود دوره آموزشی برای آموزگاران در طول مهرماه و برای سایر عوامل اجرایی در طول آبان ماه برگزار شود. اطلاعات گردآوری شده نشان می‌دهد که این دوره‌ها در مناطق تحت پوشش برگزار شده اما، طبق اظهارات معلمان و مدیران مدارس، ابلاغ اعتبار و تشکیل کلاسها به موقع نبوده است. طول دوره، زمان برگزاری و کیفیت آموزش چندان رضایت‌بخش نبوده است به‌طوری که این دوره‌ها معمولاً دیرتر و اغلب کوتاه‌تر از زمان پیش‌بینی شده برگزار شده و کیفیت مطلوبی نداشته‌اند. برخی از عوامل اجرایی(آموزگار، مدیر، کارشناسان ذی‌ربط) در دوره‌ها شرکت نکرده‌اند. دربارهٔ تناسب و کفایت محتوای دوره‌های ضمن خدمت تردیدها و انتقادهای جدی بیان شده است. با توجه به محتوای مصاحبه‌ها و نیز پاسخهای انشایی داده شده به سؤالهای بازپاسخ پرسشنامه، می‌توان استنباط کرد که کیفیت دوره‌های آموزش ضمن خدمت برگزار شده برای آموزگاران و سایر عوامل اجرایی نامناسب بوده و محتوای آموزشی از هماهنگی و انسجام کافی برخوردار نبوده است. نوعی کلی‌گویی، خلط مفاهیم و کاربرد مفاهیم مبهم و متناقض در محتوای جزوه آموزشی مشهود بوده است. مدرسان نتوانسته‌اند به پرسشهای آموزگاران پاسخ دهند و گاهی پیامهای متناقض و دوپهلو ارسال شده است. تردیدی نیست که خود مدرسان درباره آینده و سرانجام طرح و نیز دامنه مجاز برای اطلاع‌رسانی ابهام دارند.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.3.0]

فرایند اجرای طرح و عوامل اجرایی

بر اثر تعدد و فراوانی طرحهای فعال در دوره ابتدایی، فرصت و منابع کافی برای کشف استعدادهای متنوع وجود ندارد. طبق اظهارات کارشناسان، مدیران و آموزگاران، با توجه به تغییرات کتابهای درسی پایه چهارم و تداخل زمان برگزاری دوره‌ها با زمان آموزش دروس، آموزگاران از آمادگی کافی برای سنجش استعداد برخوردار نبوده و به دلایل گوناگون(انتظارات و پیش‌داوریها یا نفوذ و مداخله اولیا و...) در معرض انواع سوگیری بوده اند. آموزگاران با بار سنگین سازگاری با تغییرات برنامه و کمبود زمان مواجه بوده و برای شرکت در دوره‌های آموزشی آمادگی کافی نداشته‌اند.

از شواهد به دست آمده چنین استنباط می‌شود که واکنش و نگرش عوامل اجرایی داخل مدرسه در مقایسه با کارکنان اداری منفی‌تر است، به‌طوری که ۶۴ درصد معلمان، ۷۲ درصد مدیران مدارس و ۷۸ درصد کارشناسان آموزش و پرورش استان بر این باورند که استمرار اجرای طرح شهاب مناسب‌ترین تصمیم خواهد بود. در عین حال، ۷۶ درصد آموزگاران، ۶۸ درصد مدیران و ۶۴ درصد کارشناسان درباره مناسب بودن فرایند سنجش و ابزار معرفی شده برای شناسایی استعدادهای دانش‌آموزان تردید دارند و مشاهدات و دلایل آموزگار را برای پاسخ دادن به پرسشهای ابزار استعدادسنجی کافی نمی‌دانند. بیش‌از ۸۰ درصد آموزگاران و مدیران مدارس براین باورند که مشاهدات و دلایل آموزگار برای پاسخ دادن به پرسشهای ابزار استعدادسنجی کافی نیست. محتوای مصاحبه آموزگاران و مدیران مدارس بیشتر از اطلاعات پرسشنامه بر نگرش منفی آنان دلالت دارد. از محتوای مصاحبه‌ها و نیز پاسخهای انشایی آموزگاران و مدیران مدارس به چند پرسش بازپاسخ پرسشنامه می‌توان نتیجه گرفت که واکنش حدود دوسوم آنان نسبت به طرح شهاب منفی است. برخی از عوامل اجرایی، به‌ویژه آموزگاران، طرح شهاب را یک کار اضافی و تحمیلی تلقی می‌کنند که به‌ناچار به اجرای صوری(فرمالیته) آن تن داده‌اند. مقاومت و مخالفت آموزگاران باتجربه بیشتر از آموزگاران کم‌تجربه است. همچنین، مقاومت در برابر اجرای طرح در میان آموزگاران مرد و در استانهای برخوردار(مانند تهران و اصفهان) بیشتر است. بیم آن می‌رود که آموزگاران بر اثر سهل‌انگاری نتوانند به تشخیص افتراقی دست یابند؛ به توزیع سخاوتمندانه استعداد برای همه دانش‌آموزان(مانند توزیع بی‌هدف یارانه نقدی) بپردازند؛ برای رفع تکلیف گزینه‌های پرسشنامه استعدادسنجی را سرسری علامت بزنند یا به واسطه تصورات نادرست و تفسیرهای شخصی به رتبه‌بندی دانش‌آموزان بپردازند. شمار قابل توجهی از آموزگاران ضمن اذعان به کاستیهای فرایند

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.3.0]

سنجش، گزارش داده‌اند که نگران ارزیابی عملکرد خودشان براساس امتیازهای اختصاص یافته به استعداد دانش‌آموزان هستند. واکنش و نگرش عوامل اجرایی نسبت به برخی از جنبه‌های طرح منفی است. اکثر عوامل اجرایی درباره مناسب بودن مؤلفه‌های گوناگون طرح شهاب(زمینه، منابع، فرایند و بازده) تردید دارند و نگرانی خود را با صراحت بیان کرده‌اند. اطلاعات ناظر بر دیدگاه گروههای مختلف نمونه آماری نسبت به چند مؤلفه منتخب طرح در جدول ۱ منعکس شده‌است.

جدول ۱: درصد فراوانی نمونه‌ای از عوامل اجرایی برحسب نگرش آنان نسبت به چند مؤلفه منتخب طرح شهاب

ردیف	مواد پرسشنامه / گروهها	آموزگار	مدیر مدرسه	کارشناس
۱	تمهید مقدمات(توجیه و آماده‌سازی گروههای ذی‌ربط و...)برای اجرای طرح شهاب مناسب بوده است.	–	۸۴	۸۲
۲	آموزگاران پایه چهارم در دوره آموزش ضمن خدمت مربوط به طرح شهاب شرکت کرده‌اند.	۹۴	۹۷	۷۹
۳	آموزگاران پایه چهارم ابزار(پرسشنامه) شناسایی استعدادهای دانش‌آموزان را در اختیار دارند.	۸۹	۹۰	–
۴	ابزار(پرسشنامه) معرفی شده برای شناسایی استعدادهای دانش‌آموزان مناسب است.	۵۹	۸۴	۷۳
۵	درباره مناسب بودن پرسشنامه معرفی شده برای شناسایی استعدادهای دانش‌آموزان تردید دارم.	۷۶	۶۸	۶۴
۶	به‌طور کلی برای اجرای طرح شهاب موانع جدی وجود دارد.	۵۹	۵۵	۵۶
۷	برنامه درسی و روشهای تدریس فرصتی برای بروز استعدادهای دانش‌آموزان فراهم نمی‌سازد.	۶۲	۵۲	۵۳
۸	آموزگاران پایه چهارم برای اجرای طرح شهاب از دانش ومهارت کافی برخوردارند.	۶۸	۸۳	۶۱
۹	اجرای طرح شهاب به طبقه‌بندی دانش‌آموزان و رفتار تبعیض‌آمیز معلمان منجر می‌شود.	۲۳	۳۰	۶
۱۰	درباره مفید بودن «طرح شهاب» تردید دارم.	۵۴	۶۱	۲۵
۱۱	زمان پیش‌بینی شده برای اجرای طرح شهاب کافی نیست.	۷۶	۸۱	۸۴
۱۲	مشاهدات و دلایل آموزگار برای پاسخ دادن به پرسشهای ابزار استعدادسنجی کافی نیست.	۸۴	۸۳	–
۱۳	اجرای طرح شهاب به آموزگاران پایه چهارم منطقه تحمیل شده است.	۵۶	۵۳	۴۲
۱۴	با توجه به مجموعه شرایط موجود، استمرار اجرای طرح شهاب مناسب‌ترین تصمیم خواهد بود.	۶۴	۷۲	۸۷

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.3.0]

ابزار شناسایی استعدادها

برای بررسی کاستیهای پرسشنامه ۱۰۰ ماده‌ای استعدادسنجی، از نظرات کارشناسان، مدیران مدارس و آموزگاران استفاده شده است.تحلیل محتوای بیش از ۱۰۰مصاحبه و پاسخهای انشایی در حدود ۲۸۰ نفر از عوامل اجرایی(آموزگاران، مدیران مدارس و کارشناسان) طرح شهاب این نتیجه را به دست می‌دهد که آموزگاران مجری طرح قادر به فهم معانی و مفاهیم مواد پرسشنامه استعدادسنجی نیستند. یعنی، درک مفاهیم پرسشنامه و تشخیص استعداد در حد دانش و مهارت یک آموزگار نیست. همچنین فرصتی برای مشاهده همه مصادیق در مدرسه و در طول سه ماه وجود ندارد. آموزگاران به مشاهده نشانه‌های برخی از استعدادها قادر نیستند. زنگ ورزش جدی گرفته نمی‌شود. کارگاه و آزمایشگاه علوم وجود ندارد. عده زیاد دانش آموزان در یک کلاس(در ۴۰ درصد کلاسها بیش از ۳۰ نفر) کار را دشوار می‌کند. آموزگاران با اکراه و اهمال‌کاری، به‌صورت شتابزده یک کار اداری فرمالیته را به جای سنجش دقیق انجام دادند، در حالی‌که اغلب آنان به اعتبار و روایی ابزار استعدادسنجی و سنجش خود اعتماد ندارند.

گرچه آزمونهای استاندارد ابزارهای معتبری برای شناسایی یادگیرندگان دارای استعداد درخشان هستند، ولی توانایی مدرسان در استفاده صحیح از آنها بسیار حائز اهمیت است(کارنز و کالینز[1]، ۱۹۸۱). به‌دست آوردن سنجشهای معتبر برای کودکان دشوار است. رشد و تحول اولیه خیلی سریع، نامنظم و به شدت تحت نفوذ تجربه و حمایتهای محیط است. عملکرد کودکان در یک ارزیابی از حالات هیجانی و انگیزشی آنان و شرایط سنجش متأثر می‌شود. با توجه به این عوامل فردی و موقعیتی مؤثر بر پایایی و روایی، سنجش کودکان باید با تدابیر حفاظتی مطمئن انجام شود و هشدارهای مربوط به دقت تصمیمهای مستخرج از یافته‌ها رعایت شوند. نمرات آزمون به منزلهٔ بخشی از یک سنجش گسترده که ممکن است شامل مشاهدات، پوشه‌های کار یا رتبه‌بندی معلمان و والدین باشد، تفسیر می‌شود. داده‌های ارزشیابی باید همه جنبه‌های رشد(شناختی، هیجانی، اجتماعی و فیزیکی) را منعکس کند. درگیر شدن معلمان و والدین در فرایند سنجش ضروری است زیرا رفتارها و تواناییهای کودکان ممکن است در بافتهای متنوع و روابط همکاری میان اعضای خانواده و کارکنان مدرسه فهمیده و پرورش داده شود. در ارزیابی کودکان کم‌سن، بدیل اصلی آزمون، مشاهده نظام‌مند فعالیتهای کودکان در شرایط زندگی روزانه آنان است. مشاهده با سبک تعاملی برنامه تناسب دارد که در آن داد و ستد میان معلم و کودک هنجار تلقی می‌شود. اگرچه

1. Karnes & Collins

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.3.0]

مشاهده دقیق به تلاش نیاز دارد، این رویکرد از روایی زیست‌محیطی بالا برخوردار بوده و در آنچه کودکان انجام می‌دهند، کمترین دخالت را دارد. فعالیتهای کودکان به‌طور طبیعی همه ابعاد تحول (شناختی، انگیزشی، اجتماعی، فیزیکی، زیبایی‌شناختی و غیره) آنان را درهم ادغام می‌کند. باوجود این، یادداشتهای روایتی به تنهایی برای سنجش مناسب، کافی نیستند.

راههای دیگر شناسایی یادگیرندگان دارای استعداد درخشان عبارتند از:

- چک لیستهای(نمون‌برگ) کنترل رفتار، این چک لیستها رفتارهای بارز یادگیرندگان را در جنبه‌های گوناگون موردبررسی قرارمی‌دهد.
- معرفی از طریق همسالان، این کار با پرسیدن سؤالهایی مانند اینکه «برای حل این مسأله یا انجام دادن این کار به چه کسی مراجعه می‌کنی؟» انجام می‌گیرد.
- معرفی از طریق والدین، این مرحله نیز با پرسیدن سؤالهایی مانند «رفتارها، علایق و ویژگیهای فرزند شما چیست؟» انجام می‌گیرد.
- معرفی خود فرد، ازطریق پرسشنامه و سؤالهای غیرمستقیم.
- معرفی از طریق کارکنان موسسهٔ آموزشی فراگیر به شیوه‌های گوناگون، مانند تکمیل پرسشنامه‌های خاص و معرفی موردی.

هانساکر و کالاهان[1] (۱۹۹۵) پیشنهاد کرده اند که اصول زیر در شناسایی استعدادهای برتر رعایت شود:

۱. در ارزیابی بهتراست که بر مفهوم استعداد تأکید شود؛

۲. راهبردهایی برای شناسایی جنبه‌های متفاوت تیزهوشی ارائه شود؛

۳. ابزارها و راهبردهای قابل اعتماد و روا به کار گرفته شوند؛

۴. در تفسیر نتایج، محدودیت ابزار اندازه‌گیری مورد توجه قرار گیرد؛

۵. از ملاکها و روشهای اندازه‌گیری متعدد استفاده شود؛

۶. شناسایی دانش‌آموزان با هدف پاسخگویی به نیازهای آموزشی آنها صورت گیرد.

کلارک (۱۹۹۷) باهدف برنامه‌ریزی آموزشی، الگوی پیشرونده ای را برای ارزیابی دانش‌آموزان پیشنهاد کرده است که درقالب آن ابتدا دانش‌آموزان با روشهایی مانند معرفی معلم، همتایان، والدین و روانشناسان،گزارش معلم از کارکرد دانش‌آموز و بررسی سوابق آنان غربال می‌شوند. در مرحله دوم، کارکردهای دانش‌آموزان بررسی و نتایج حاصل از روشهای متفاوت تلفیق و تحلیل می‌شوند

1. Hunsaker & Callahan

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.3.0]

و نیمرخ عملکرد هر دانش‌آموز ترسیم می‌گردد. درمرحله سوم، گروهی از متخصصان و والدین درمورد جایدهی دانش‌آموز در برنامه‌های ویژهٔ آموزشی تصمیم می‌گیرند و درنهایت، پس از بررسی ویژگیها و نیازهای دانش‌آموزان برنامهٔ آموزشی مناسب برای آنها طراحی و اجرا می‌شود.

روشن است که استعدادیابی فقط با تکمیل پرسشنامه از سوی معلم نمی‌تواند دقیق باشد. طولانی بودن پرسشنامه و عدهٔ زیاد دانش‌آموزان در یک کلاس، دقت علمی را کاهش می‌دهد. پرسشنامه استعدادسنجی از دقت و جامعیت کافی برخوردار نیست.خیلی از گزینه‌ها با وضعیت دانش آموزان سنخیت ندارند. برای مثال، مواد مربوط به طراحی، کار با چوب، بازی با جورچین، کسب مقام در رشته‌های ورزشی، پیدا کردن راه‌حلهای مشکلات مدرسه، تحقیق در دروس دینی و قرآن، توجه به ویژگیهای زیباشناختی پدیده‌های طبیعی، ابراز وجود دربارهٔ موضوعات گوناگون، اطلاعات ادبی بالا و... در سطح دانش‌آموزان دوره‌های راهنمایی و دبیرستان است و در مورد کودکان دوره ابتدایی، جواب دادن به این قبیل پرسشها مقدور نیست. مفاهیم بعضی از مواد پرسشنامه مشابه و تکراری و برخی مبهم‌اند. پاسخ دادن به برخی از مواد پرسشنامه مستلزم استفاده از آزمونهای روانشناختی است. به کارگیری روشهای تشخیصی مختلف و معیارهای چندگانه شناسایی(کلباسی، ۱۳۹۱) مورد نیاز است. عموپور(۱۳۹۶) در تحقیق خود نشان داد که کمبود آگاهی مجریان از مسائل روانشناسی کودک، حوزه‌های استعدادی و هوش، مانع مشاهده صحیح و دقیق «برنامه شهاب» شده است. اغلب آموزگاران ما از دانش نظری و تجارب عملی کافی برخوردار نیستند. در حالی که بنا به باور پیاژه باید معلم به معلومات روانشناختی محکمی، به ویژه در سطح مسائل یادگیری و هوش، مجهز گردد(به نقل منصور و دادستان،۱۳۶۹). همچنین، معلمان ما براساس برنامه‌های از پیش تعیین‌شده به امر تعلیم و تربیت می‌پردازند و شرایط موجود نظام آموزش و پرورش با رویکرد اصلی طرح شهاب که بر استعداد مبتنی است، تعارض دارد.

ارزیابی موفقیت اجرای آزمایشی طرح شهاب

از مجموعه شواهد موجود چنین استنباط می‌شود که در سال اول شرایط برای اجرای طرح شهاب چندان مساعد نبوده است و موفقیت در شناسایی و هدایت استعدادها، قابل مشاهده و معنادار نیست. فرایند سنجش و ابزار استعدادسنجی مناسب نبوده و تشخیص افتراقی استعدادها حاصل نشده است. به طوری که اطلاعات مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد، نزدیک به ۵۳ درصد دانش‌آموزان در هیچ یک از حیطه‌های استعدادی برتری نشان نداده‌اند. در حالی که بیش از ۲۰ درصد دانش‌آموزان در ۳ تا ۸ استعداد برتر شناخته شده‌اند. ۱۴/۷ درصد دانش‌آموزان در یک

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.3.0]

استعداد، ۸/۹ درصد در دو استعداد، ۴/۲ درصد در سه استعداد، ۴ درصد در چهار استعداد، ۲/۹ درصد در پنج استعداد، ۴/۲ درصد در شش استعداد، ۴ درصد در هفت استعداد و ۴/۲ درصدشان در هشت استعداد برتری دارند. نسبت افرادی که در استعدادهای کلامی، ریاضی، علوم و اجتماعی امتیاز بیشتری کسب کرده‌اند از ۲۳ تا ۲۸ درصد متغیر است و نسبتهای مربوط به استعدادهای هنری، فضایی، مذهبی و حرکتی- ورزشی از ۱۳ تا ۱۸ درصد متغیر است.

جدول ۲:توزیع فراوانی دانش‌آموزان برحسب برتری در استعدادهای گوناگون

تعداد استعداد	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تراکمی
۰	۲۳۶	۵۲/۷	۵۲/۷
۱	۶۶	۱۴/۷	۶۷/۴
۲	۴۰	۸/۹	۷۶/۳
۳	۱۹	۴/۲	۸۰/۶
۴	۱۸	۴/۰	۸۴/۶
۵	۱۳	۲/۹	۸۷/۵
۶	۱۹	۴/۲	۹۱/۷
۷	۱۸	۴/۰	۹۵/۸
۸	۱۹	۴/۲	۱۰۰
جمع	۴۴۸	۱۰۰	

بحث و نتیجه‌گیری

اگر طرح شهاب در پی شناسایی استعدادهای برتر وجداسازی دانش‌آموزان باشد، اجرای آن، نظام آموزش و پرورش را به چالش خواهد کشید. چنانکه مِیزی[1](۲۰۰۹) خاطرنشان ساخته، برنامه‌های آموزش و پرورش برای دانش‌آموزان مستعد از منظر دیدگاه برابری خواهانه با چالشهای فلسفی و عملی مواجه است. مدارس استعدادهای برتر به طور ذاتی تعهد به برابری در آموزش را تضعیف می‌کنند. زرافشان(۱۳۹۳) معاون آموزش متوسطه، طبقه‌بندی علمی دانش‌آموزان و جداسازی دانش‌آموزان مستعد از سایر دانش‌آموزان را سیاستی نسنجیده و عاملی آسیب‌زا ارزیابی کرده است. متعهد شدن به انجام دادن تکلیف ناظر بر حق تربیت و در عین حال رعایت اصل عدالت در تربیت و نیز اصل تفاوتهای فردی، تصویری ایده آل از نظام آموزش و پرورش را به نمایش می‌گذارد. اما چنین نظام ایده‌آلی در عالم واقع تجربه نشده است و استقرار آن اگر

1. Mazie

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.3.0]

غیرممکن نباشد بسیار دشوار خواهد بود، زیرا هیچ کشوری منابع و امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری نامحدودی در اختیار ندارد و همین محدودیت نظامهای آموزشی را به اتخاذ راهبردهای هوشمندانه و سازگاری موثر با شرایط موجود سوق داده است. این راهبردها ممکن است از هماهنگی کافی برخوردار نباشند و حتی گاهی متناقض و غیرقابل جمع باشند. چگونه می‌توان آحاد جامعه را براساس استعدادهای بالقوه و ظرفیتهای ذاتی آنان تربیت کرد و در عین حال با هدایت استعدادهای برتر و پرورش نخبگان نیاز جامعه به منابع انسانی را تأمین کرد؟ اهتمام به شناسایی و هدایت استعدادهای برتر و استقرار نظام شایسته‌سالاری در جهت تأمین نیازهای جامعه بسیار مهم و حتی گریزناپذیر به نظر می‌رسد و این امر همواره مورد توجه رهبران سیاسی بوده است. باوجود این، استقرار نظام شایسته‌سالاری عاری از بی‌عدالتی بعید به نظر می‌رسد.

پرورش استعدادهای عدهٔ معدودی از افراد با هدف نظام رسمی آموزش و پرورش همگانی که برای توسعه و پرورش استعدادهای هر شهروندی بنا شده است، تعارض دارد. آموزش و پرورش عمومی یک سرمایه‌گذاری برای جامعه به منزلهٔ یک کل است، نه راهی برای جداسازی فرزندان افراد قدرتمند از فرزندان وابسته به طبقات پایین(ریدی[1]، به نقل از نیویورک تایمز، ۲۰۱۲). اگر بخش عمده‌ای از جمعیت دانش‌آموزان «مستعد» از اکثریت بزرگ دانش آموزان جدا شود، برای دانش‌آموزان متوسط چه اتفاقی خواهد افتاد؟ ملاک برتری در مدارس متوسطه عمومی با چنین دانش‌آموزانی «مستعد» تنظیم می‌شود و بدون آنها ناپدید خواهد شد. حذف دانش‌آموزان پیشرفته از مدارس عمومی به‌ناچار کیفیت آموزش برای اکثریت دانش‌آموزان را تنزل خواهد داد. آموزش و پرورش عمومی ضعیف برای شخص عادی، پیامدهای وخیمی برای جامعه دارد(شاو[2]، به نقل از همان، ۲۰۱۲). در مباحث مربوط به برابری و عدالت آموزشی، بسیاری از متفکران، مانند مورتیمر آدلر[3] پیشنهاد کردند که همهٔ دانش‌آموزان باید حداقل تا پایهٔ ۱۲ دارای برنامهٔدرسی یکسانی باشند(پاک‌سرشت، ۱۳۸۵). فلدهوسن[4] (۱۹۹۲)، پیشنهاد کرد که به جای تلاش برای شناسایی دانش‌آموزان تیزهوش و قرار دادن آنها در یک طبقه مجزا، بهتر است به جستجوی استعداد و نقاط قوت همهٔ دانش‌آموزان توجه شود و برنامه‌های آموزشی برای شکوفاسازی استعداد همهٔ

1. Reidy
2. Shaw
3. Mortimer Jerome Adler
4. Feldhusen

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.3.0]

دانش‌آموزان طراحی شود. به زعم دیویی، آموزش و پرورش باید به هرفرد اجازه دهد تا مالکیت قدرت شخصی خویش را داشته باشد(به نقل لوپز[1] و لوئی[2]، ۲۰۰۹).

الگوهای آموزش و پرورش مبتنی بر استعداد و یافتن نقاط قوت همهٔ دانش‌آموزان، وقتی بهتر درک می‌شوند که به مثابه مواضع فلسفی و اقدامهای تربیتی که یک رویکرد فردی‌نگر به فرایند تدریس و یادگیری را شکل می‌دهند، در نظر گرفته شوند. آموزش و پرورش مبتنی بر نقاط قوت شامل فرایندهای ارزیابی، تدریس و طراحی فعالیتهای یادگیری تجربی است که به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا بهترین استعدادهای خود را شناسایی کنند، سپس، نقاط قوت مبتنی بر آن استعدادها را توسعه دهند و در فرایند یادگیری، تحول شناختی و پیشرفت تحصیلی تا سطوح عالی به کار ببندند(اندرسون، ۲۰۰۴).

یکی از دلایلی که به‌کرات برای توجیه گروه‌بندی توانایی دانش‌آموزان مستعد ارائه می‌شود، تضمین چالش مناسب و پیشگیری از خستگی است که نشان داده شده اثراتی مفید بر موفقیت تحصیلی دارد. گذشته از این، منتقدان بر هزینه‌های روانشناختی این طبقه‌بندی، مانند اثرات مضر آن بر خودپنداره تحصیلی، تأکید می‌کنند(پرکل[3]، گوتز[4] و فرنزل[5]، ۲۰۱۰). به نظر می‌رسد وجود تنوع در دانش‌آموزان به رشد بهتر آنان منجر می‌شود و طبقه‌بندی دانش‌آموزان بر اساس استعداد و توانایی می‌تواند مخاطراتی برای هر دو گروه برتر و کهتر به همراه داشته باشد. دانش‌آموزانی که به هر دلیل برچسب کم‌توان بر آنها زده می‌شود، ممکن است در معرض خطر «اثرات انتظار معلم» قرار بگیرند و آسیب ببینند و دانش‌آموزان برخوردار از استعداد برتر ممکن است در معرض خطر «اثر ماهی بزرگ در حوضچه کوچک»[6] قرار بگیرند(گوتز، پرکل، زایدنر[7] و اشلایر[8]،۲۰۰۸). این استعاره که از سوی مارش[9] مطرح شده است، فرض می‌کند که برای رشد خودپنداره تحصیلی بهتر است فرد به مثابه ماهی بزرگ در برکه کوچک (دانش‌آموز مستعد درمیان گروه مرجع عادی) باشد تا اینکه ماهی کوچک در برکه بزرگ(دانش‌آموز مستعد در میان گروه مرجع مستعد).

1. Lopez
2. Louis
3. Preckel
4. Götz
5. Frenzel
6. Big-fish-little-pond effect
7. Zeidner
8. Schleyer
9. Marsh

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.3.0]

زمینه و بافت فرهنگی- اقتصادی در اجرای موفقیت‌آمیز طرح شهاب نقشی تعیین‌کننده دارد. شناسایی و هدایت استعدادهای برتر در بافت و زمینه‌ای انجام می‌شود که به نظر می‌رسد چندان مساعد نیست. اقتصاد متکی بر درآمد نفت و رانت‌خواهی بر اقتصاد تولیدی غلبه دارد. در سالهای اخیر اذهان و افکار عمومی بر اثر اخبار مربوط به مناسبات اقتصادی مشوش شده است. «وقتی که مناسبات نادرست اقتصادی در جامعه حاکم باشد، وقتی که رانت‌خواری رواج داشته باشد، وقتی که سوءاستفاده از قدرت برای به دست آوردن ثروتهای بادآورده رواج داشته باشد، کسی که تولیدکننده و زحمتکش واقعی است، ناامید می‌شود»(خامنه‌ای، تیرماه۱۳۸۳). در جایی که مناسبات رانتی بر اقتصاد حاکم باشد، پرورش استعدادهای افراد جامعه و توسعه منابع انسانی در اولویت قرار نمی‌گیرد و برانگیخته شدن خانواده‌ها و فرزندان آنان برای توسعه استعدادهای ذاتی بعید به‌نظر می‌رسد. در چنین شرایطی، شناسایی و هدایت استعدادهای برتر چندان موفقیت‌آمیز نخواهد بود و واقعی بودن و جدّی بودن نیاز افراد و جامعه به توسعه ظرفیتهای بالقوه مورد تردید قرار خواهد گرفت. موفقیت در پرورش نخبگان جامعه مستلزم احساس نیاز واقعی به منابع انسانی در حوزه‌های متفاوت از سوی نظام حاکم و خانواده‌هاست. عافیت‌طلبی خانواده‌ها و فرزندان، گرایش اغلب خانواده‌ها به مسیرهای خاص موفقیت، همنوایی اجتماعی و رواج چشم‌هم‌چشمی، مدرک‌گرایی، مسدود بودن مسیرهای برخی از استعدادها، ناهماهنگی میان نیازهای فرد و جامعه و کمبود سرمایه اجتماعی، بخشی از بافت موجود را تشکیل می‌دهند که می‌توانند شرایط را برای اجرای طرح شهاب نامساعد سازند.

متولیان طرح شهاب اهمیت و ضرورت اجرای این طرح را به اعتبار سخنان مقام رهبری دربارهٔ تربیت نخبگان و نیز اسناد بالادستی توجیه می‌کنند. بنابراین، منشا چنین نیازی در جایگاهی بالاتر از دستگاه متولی آموزش و پرورش قرار دارد اما فرودگاه و زیستگاه طرح شهاب دستگاه متولی آموزش و پرورش رسمی است. با این تفکیک می‌توان گفت خاستگاه طرح معطوف به آرمان‌گرایی و زیستگاه طرح معطوف به واقعیتهاست. بنابراین، لازم است ضمن حفظ روحیه آرمانگرایی به امکان‌پذیر بودن ایده شناسایی و هدایت استعدادهای برتر اندیشیده شود. در اینجا این سؤال قابل طرح است که بافت و زمینه تا چه اندازه برای اجرای طرح شهاب مساعد و برازنده است. اجرای طرح شهاب در وهله نخست نیازمند فراهم ساختن شرایط و فرصتهایی است که دانش‌آموزان را برانگیزد و استعدادهای آنها را جاری و ساری سازد. بنابراین، برای اجرای طرح شهاب، حضور عوامل مهیاساز و تجلی‌ساز استعدادهای متنوع ضروری است؛ در حالی که با نظام متمرکز

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.3.0]

برنامه‌ریزی تنوع‌گریز مواجه هستیم که بر اثر حاکمیت آن، مدرسه نمی‌تواند فرصت کافی برای بروز استعدادهای گوناگون ایجاد کند. تردیدی نیست که مدارس و معلمان ما براساس برنامه‌های از پیش تعیین شده به امر تعلیم و تربیت می‌پردازند. در صورت موفقیت کامل این نظام متمرکز می‌توان انتظار داشت که آحاد جامعه به شکل یکسان درآیند و تفاوتهای ذاتی و استعدادهای بالقوه آنان کم‌رنگ شوند. بنابراین، شرایط موجود نظام آموزش و پرورش با رویکرد اصلی طرح شهاب که بر استعداد مبتنی است، تعارض دارد. همچنین، بنابه قضاوت نمونه‌ای از عوامل اجرایی(کارشناسان، مدیران مدارس و آموزگاران)، منابع سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آموزش و پرورش(فضا، تجهیزات، نیروی انسانی، زمان) برای شناسایی و هدایت استعدادهای برتر برازنده و مناسب نیست. کمبود نیروی انسانی واجد شایستگیهای لازم برای برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر طرح شهاب مشهود است. آموزگاران مجری طرح، تخصص لازم را ندارند. بر اثر تعدد و فراوانی طرحهای فعال در دوره ابتدایی، فرصت و منابع کافی برای کشف استعدادهای متنوع وجود ندارد. بر اثر حاکمیت نظام متمرکز برنامه‌ریزی، حضورعوامل مهیاساز و تجلی‌ساز استعدادهای متنوع کمرنگ است. مدرسه نمی‌تواند فرصت کافی برای بروز استعداد ایجاد کند. آموزش و پرورش کارکنان و معلمانی در اختیار دارد که از استقلال فکری و بضاعت علمی و حرفه‌ای کافی برخوردار نیستند. ضعف تعهد و اهتمام به اجرای طرحهای جدید در آحاد عوامل اجرایی مشهود است و نتیجه آن در لوث مسئولیتها، سهل‌انگاریها و ظاهرسازیها منعکس می‌شود. نفوذ حوزه ستادی وزارت آموزش و پرورش در کارکنان صف این وزارتخانه چندان نیرومند نیست. گویا بر اثر ظهور و زوال طرحهای فرمایشی متعدد، کارکنان آموزش و پرورش در سطوح مختلف به بخشنامه‌ها و دستورات وزارتخانه خوگیر و بی‌اعتنا شده‌اند. در چنین شرایطی، اجرای طرح شهاب، آموزش و پرورش را به مبارزه می‌طلبد و موفقیت آن به نتیجه این مبارزه بستگی دارد. درصورتی که نظام آموزش و پرورش به منزلهٔ بافت اختصاصی طرح شهاب نتواند خود را تغییر دهد، زمینه و شرایط مناسب برای شناسایی و هدایت استعدادهای برتر فراهم نخواهد شد. برخی از مدیران مدارس و آموزگاران مدعی شده‌اند که طرح شهاب بدون انجام دادن مطالعات کافی و بدون توجه به زمینه طراحی شده و به‌صورت شتابزده اجرا می‌شود.

پیشنهادها

- با توجه به اینکه هدف نهایی طرح شهاب تربیت نخبگان مورد نیاز جامعه در حوزه‌های گوناگون استعدادی است، لازم است روشها و تدابیری اتخاذ بشود که از عوارض منفی

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.3.0]

نخبه‌پروری، مانند پیامدهای منفی ناشی از طبقه‌بندی و تبعیض یا تشخیص نامتمایز و خنثی، اجتناب شود.

- هنوز زوایای تاریکی در مبانی طرح شهاب وجود دارد. مشخص نیست که این طرح از کجا الگوبرداری شده، تجارب سایر کشورها چیست و انتظار چه پیامدهایی را می‌توان داشت.
- معلمان و مدیران مدارس به استمرار اجرای طرح امیدوار نیستند و تصور می‌کنند که این طرح بر اثر تغییر مدیریت کلان با یک بخشنامه متوقف خواهد شد. اجرای ناقص طرحهای متعدد در آموزش و پرورش به کاهش نفوذ حوزه ستادی و تضعیف سرمایه اجتماعی این وزارتخانه منجر خواهد شد.
- هنوز منابع کافی برای اجرای طرح شهاب فراهم نشده است. برخی از مصاحبه شوندگان تصور می‌کنند که اجرای طرح با همین منابع و امکانات موجود امکان پذیر است و برخی دیگر به اخلال در آموزش رسمی بر اثر بار اضافی آموزگار اشاره کرده و امکانات مدرسه را ناکافی دانسته‌اند. صرف‌نظر از این اختلافها، تردیدی درباره ناکافی بودن آموزش و توجیه عوامل اجرایی وجود ندارد. شیوه و دامنه اطلاع‌رسانی هنوز روشن نیست. اختصاص منابع مالی کافی و بهره‌مندی از افراد متخصص و متعهد برای توجیه گروهها در طول سال و تضمین کیفیت و کفایت دوره‌های آموزشی ضرورت دارد. با منابع مالی و نیروی انسانی موجود، موفقیت طرح شهاب بسیار محدود خواهد بود.
- ابزار معرفی شده برای شناسایی استعدادهای برتر از ویژگیهای مطلوب برخوردار نیست. استفاده از سوابق تحصلی و متغیرهای ناظر بر وضعیت اقتصادی- اجتماعی خانواده برای تشخیص استعدادها و فراهم ساختن ابزارهای بدیل برای سنجش استعدادهای متنوع (به کارگیری معیارهای چندگانه شناسایی) ضروری است.
- اجرای طرح شهاب می‌تواند توجه آموزش و پرورش را به وظیفه فراموش شده‌اش دربارهٔ شناسایی و هدایت استعدادهای متنوع جلب کند و جلب توجه عوامل آموزش و پرورش به جنبه‌های گوناگون استعداد و موفقیت، گامی است به پیش. آموزگار و سایر عوامل اجرایی به تمرین برای شناسایی و هدایت استعدادها می‌پردازند که خود این تمرین به مجریان کمک می‌کند تا شالوده فکری آنان ساخته شود و دقت و وسعت‌نظر معلمان به هنگام ارزشیابی دانش‌آموزان افزایش یابد.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.3.0]

منابع

اتکینسون، ریتا ال.؛ اتکینسون، ریچارد سی.؛ اسمیت، ادوارد ای.؛ بم، داریل جی. و نولن- هوکسما، سوزان. (۲۰۰۰). *زمینه روانشناسی هیلگارد*، (ترجمه محمد نقی براهنی و همکاران، ۱۳۸۶). تهران: انتشارات رشد.

بنیاد ملی نخبگان. (۱۳۹۱). *طرح شناسایی و هدایت استعدادهای برتر، مجموعه متون آموزشی*. مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان، کمیته علمی طرح شهاب.

خامنه‌ای، علی. (۱۳۸۳). *بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم همدان*، ۱۳۸۳/۴/۱۵.

دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۱). *برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مصوبه اسفند ۱۳۹۱*. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

زرافشان، علی. (۱۳۹۳). توسعه بی‌رویه مدارس تیزهوشان و خالی شدن مدارس دولتی از دانش‌آموزان مستعد، مصاحبه مطبوعاتی، *شفا آنلاین*.

عموپور، نادیا. (۱۳۹۶). مطالعه تفاوت‌های فردی دانش آموزان در برنامه ملی شهاب. *فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی*، (۱۸)، ۴۹-۶۹.

کلباسی،افسانه. (۱۳۹۱). *ارزیابی برنامه درسی مدارس استعدادهای درخشان در دوره راهنمایی و فرآیند فعلی شناسایی دانش آموزان تیزهوش به منظور ارائه یک الگوی مطلوب*. رساله دکتری تخصصی. اصفهان: دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

گوتگ، جرالد لی.(۱۳۸۵). *مکاتب فلسفی و آراء تربیتی*، (ترجمه محمد جعفر پاک‌سرشت). تهران: انتشارات سمت.

منصور، محمود و دادستان، پریرخ. (۱۳۶۹). *تربیت به کجا ره می‌سپرد؟*(چاپ دوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

نقیب‌زاده جلالی، میرعبدالحسین. (۱۳۸۵). *نگاهی به فلسفه آموزش وپرورش*. تهران: انتشارات طهوری.

نویدی، احد. (۱۳۹۰). *ارزشیابی اجرای آزمایشی طرح غنی‌سازی تجارب یادگیری در دروس ریاضیات و علوم تجربی پایه اول راهنمایی در سال تحصیلی۹۰-۱۳۸۹*. تهران: وزارت آموزش و پرورش، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

Anderson, E. C. (2004). *What is strengths-based education?: A tentative answer by someone who strives to be a strengths-based educator*. Unpublished manuscript.

Clark, B. (1997). *Growing up gifted. Developing the potential of children at home and at school* (4th ed.). New York: Merrill.

Feldhusen, J. F. (1992). From the editor: Talent identification & development in education. *Gifted Child Quarterly*, *36*, 123.

Goetz, T., Preckel, F., Zeidner, M., & Schleyer, E. (2008). Big fish in big ponds: A multilevel analysis of test anxiety and achievement in special gifted classes. *Anxiety, Stress, & Coping*, *21*(2), 185-198.

Hunsaker, S. L., & Callahan, C. M. (1995). Creativity and giftedness: Published instrument uses and abuses. *Gifted Child Quarterly*, *39*(2), 110-114.

Karnes, F. A., & Collins, E. C. (1981). Teacher certification in the education of the gifted: An update. *Journal for the Education of the Gifted*, *4*(2), 123-131.

Lopez, S. J., & Louis, M. C. (2009). The principles of strengths-based education. *Journal of College and Character*, *10*(4), 1-8.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.3.0]

Marsh, H. W. (1987). The big-fish-little-pond effect on academic self-concept. *Journal of Educational Psychology*, *79*(3), 280-295.

Mazie, S. (2009). Equality, race and gifted education: An egalitarian critique of admission to New York City's specialized high schools. *School Field*, *7*(1), 5-25.

Morton, L. (2004). *Integrated and integrative talent management: A strategic HR framework*. New York: Conference Board.

Preckel, F., Götz, T., & Frenzel, A. (2010). Ability grouping of gifted students: Effects on academic self-concept and boredom. *British Journal of Educational Psychology*, *80*(3), 451-472.

To separate gifted students, or not? (2012, September 24). *The New York Times.*

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.3.0]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.3.0]
[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]